

وصية الله ونجاسة الإنسان

¹ حِينَئِذٍ جَاءَ إِلَى يَسُوعَ كَتَبَةٌ وَقَرَّسِيُّونَ الَّذِينَ مِنَ أُورُشَلِيمَ قَائِلِينَ: ² لِمَاذَا تَبَعَدَى تَلَامِيذُكَ تَقْلِيدَ الشُّيُوعِ؟ فَأَجَابَ قَائِلًا لَهُمْ: وَأَنْتُمْ أَيْضًا لِمَاذَا تَتَعَدَوْنَ وَصِيَّةَ اللَّهِ بِسَبَبِ تَقْلِيدِكُمْ؟ ³ فَإِنَّ اللَّهَ أَوْصَى قَائِلًا: "أَكْرَمُ أَبَاكَ وَأُمَّكَ، وَمَنْ بَسَّطَ أَبَا أَوْ أُمَّاً فَلَيْمَتْ مَوْتًا". ⁴ وَأَمَّا أَنْتُمْ فَتَقُولُونَ: مَنْ قَالَ لِأَبِيهِ أَوْ أُمِّهِ: قُرْبَانٌ، هُوَ الَّذِي تَنْتَفِعُ بِهِ مِنِّي، فَلَا بُكْرُمَ أَبَاهُ أَوْ أُمَّهُ. ⁵ فَقَدْ أَبْطَلْتُمْ وَصِيَّةَ اللَّهِ بِسَبَبِ تَقْلِيدِكُمْ. ⁶ يَا مُرَاوُونَ، حَسَنًا تَبَّأَ عَنْكُمْ إِشْعِيَاءُ قَائِلًا: ⁷ "بَعَثْتُ إِلَى هَذَا الشَّعْبِ بِقِيَمِهِ وَبُكْرُمِي بِشَقِيئِهِ وَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُتْعِدٌ عَنِّي بَعِيدًا. ⁸ وَبَاطِلًا يَعْبُدُونِي وَهُمْ يُعَلِّمُونَ تَعَالِيمَ هَيْ وَصَايَا النَّاسِ".

⁹ ثُمَّ دَعَا الْجَمْعَ وَقَالَ لَهُمْ: اسْمَعُوا وَافْهَمُوا. ¹⁰ لَيْسَ مَا يَدْخُلُ الْقَلْمَ يُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ، بَلْ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْقَلْمِ هَذَا يُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ. ¹¹ حِينَئِذٍ تَقَدَّمَ تَلَامِيذُهُ وَقَالُوا لَهُ: أَتَعَلَّمُ أَنَّ الْقَرَّسِيِّينَ لَمَّا سَمِعُوا الْقَوْلَ تَعْرَفُوا؟ ¹² فَأَجَابَ وَقَالَ: كُلُّ عَرَسٍ لَمْ يَعْزُسْهُ أَبِي السَّمَاوِيِّ يُفْلَعُ. ¹³ أَنْزَلْتُكُمْ هُمْ، هُمْ عُمَيَّانَ قَادَةَ عُمَيَّانَ، وَإِنْ كَانَ أَعْمَى يَفُودُ أَعْمَى يَسْقُطَانِ كِلَاهُمَا فِي خُفْرَةٍ. ¹⁴ فَأَجَابَ بَطْرُسُ وَقَالَ لَهُ: فَسِّرْ لَنَا هَذَا الْمَثَلَ. ¹⁵ فَقَالَ يَسُوعُ: هَلْ أَنْتُمْ أَيْضًا حَتَّى الْآنَ عَيْرَ فَاهِمِينَ؟ ¹⁶ أَلَا تَفْهَمُونَ بَعْدَ أَنْ كُلَّ مَا يَدْخُلُ الْقَلْمَ يَمْضِي إِلَى الْجَوْفِ وَيَنْدَفِعُ إِلَى الْمَخْرَجِ؟ ¹⁷ وَأَمَّا مَا يَخْرُجُ مِنَ الْقَلْمِ فَمِنْ الْقَلْبِ يَصْدُرُ، وَذَلِكَ يُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ. ¹⁸ لِأَنَّ مِنَ الْقَلْبِ تَخْرُجُ أَفْكَارٌ شَرِّيرَةٌ: قَتْلٌ، زِنَى، فِسْقٌ، سِرْقَةٌ، شَهَادَةٌ زُورٍ، تَجْدِيفٌ. ¹⁹ هَذِهِ هِيَ الَّتِي تُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ، وَأَمَّا الْأَكْلُ بِأَيْدٍ غَيْرِ مَعْسُولَةٍ فَلَا يُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ.

يسوع يشفي بنت إمراة كنعانية

²⁰ ثُمَّ خَرَجَ يَسُوعُ مِنْ هُنَاكَ وَأَنْصَرَفَ إِلَى تَوَّاجِي صُورَ وَصَيْدَاءَ. ²¹ وَإِذَا امْرَأَةٌ كَنْعَانِيَّةٌ خَارِجَةٌ مِنْ تِلْكَ التُّحُومِ صَرَخَتْ إِلَيْهِ قَائِلَةً: ارْحَمْنِي، يَا سَيِّدُ، يَا ابْنَ دَاوُدَ، إِنَّ ابْنِي مَجْنُونَةٌ جَدًّا. ²² فَلَمْ يُجِبْهَا بِكَلِمَةٍ. فَتَقَدَّمَ تَلَامِيذُهُ وَطَلَبُوا إِلَيْهِ قَائِلِينَ: اضْرِفْهَا، لِأَنَّهَا تَصِيخُ وَرَأَتْهَا. ²³ فَأَجَابَ وَقَالَ: لَمْ أُرْسَلْ إِلَّا إِلَى خِزَافِ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ الصَّالَّةِ. ²⁴ فَأَتَتْ وَسَجَدَتْ لَهُ قَائِلَةً: يَا سَيِّدُ، اعْنِي. ²⁵ فَأَجَابَ وَقَالَ: لَيْسَ حَسَنًا أَنْ يُؤَخَذَ جُزْرُ الْبَيْتِ وَيُهْرَجَ لِلْكَالِبِ. ²⁶ فَقَالَتْ: تَعَمْ، يَا سَيِّدُ، وَالْكَالِبُ أَيْضًا تَأْكُلُ مِنَ الْفُقَاتِ الَّتِي

عبادت خالص و چیزهایی که انسان را ناپاک

می‌کند

¹ آنگاه کاتبان و فریسیان اورشلیم نزد عیسی آمده، گفتند: ² چون است که شاگردان تو از تقلید مشایخ تجاوز می‌نمایند، زیرا هرگاه نان می‌خورند دست خود را نمی‌شویند؟ ³ او در جواب ایشان گفت: شما نیز به تقلید خویش، از حکم خدا چرا تجاوز می‌کنید؟ ⁴ زیرا خدا حکم داده است که: مادر و پدر خود را حرمت دار، و هرکه پدر یا مادر را دشنام دهد البته هلاک گردد. ⁵ لیکن شما می‌گویید: هر که پدر یا مادر خود را گوید: آنچه از من به تو نفع رسد هدیه‌ای است، ⁶ و پدر یا مادر خود، حکم خدا را باطل نموده‌اید. ⁷ ای رباکاران، اشعیاء درباره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: ⁸ این قوم به زبانهای خود به من تقرب می‌جویند و به لبهای خویش مرا تمجید می‌نمایند، لیکن دلشان از من دور است. ⁹ پس عبادت مرا عبث می‌کنند زیرا که احکام مردم را بمنزله فرایض تعلیم می‌دهند.

¹⁰ و آن جماعت را خوانده، بدیشان گفت: گوش داده، بفهمید: ¹¹ نه آنچه به دهان فرو می‌رود انسان را نجس می‌سازد، بلکه آنچه از دهان بیرون می‌آید انسان را نجس می‌گرداند. ¹² آنگاه شاگردان وی آمده، گفتند: آیا می‌دانی که فریسیان چون این سخن را شنیدند، مکروهش داشتند؟ ¹³ او در جواب گفت: هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد، گنده شود. ¹⁴ ایشان را واگذارید، کوران راهنمایان کورانند و هرگاه کور، کور را راهنما شود، هر دو در چاه افتند. ¹⁵ بطرس در جواب او گفت: این مثل را برای ما شرح فرما. ¹⁶ عیسی گفت: آیا شما نیز تا به حال بی‌ادراک هستید؟ ¹⁷ یا هنوز نیافته‌اید که آنچه از دهان فرو می‌رود، داخل شکم می‌گردد و در مَنَرَزِ افکنده می‌شود؟ ¹⁸ لیکن آنچه از دهان برآید، از دل صادر می‌گردد و این چیزها است که انسان را نجس می‌سازد. ¹⁹ زیرا که از دل برمی‌آید: خیالات بد و قتلها و زناها و فسقها و زدیها و شهادت دروغ و کفرها. ²⁰ اینها است که انسان را نجس می‌سازد، لیکن خوردن به دستهای ناشسته، انسان را نجس نمی‌گرداند.

ایمان یک زن کنعانی

بَسْفُطٍ مِنْ مَائِدَةِ أَرْبَابِهَا.²⁸ حَبِيذٌ أَحَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهَا: يَا امْرَأَةً، عَظِيمٌ إِيمَانُكَ، لِيَكُنْ لِكَ كَمَا تُرِيدِينَ. فَسُفِيَتِ ابْتِنَاهَا مِنْ تِلْكَ السَّاعَةِ.

یسوع یسفی الکثیرین ویشبع أربعة آلاف

شخص

²⁹ ثُمَّ انْتَقَلَ يَسُوعُ مِنْ هُنَاكَ وَجَاءَ إِلَى جَانِبِ بَحْرِ الْجَلِيلِ، وَصَعِدَ إِلَى الْجَبَلِ وَجَلَسَ هُنَاكَ.³⁰ فَجَاءَ إِلَيْهِ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ مَعَهُمْ عُرْجٌ وَعَمَمِيٌّ وَخُرْسٌ وَسُلٌّ وَأَخْرُونَ كَثِيرُونَ، وَطَرَحُوهُمْ عِنْدَ قَدَمَيْ يَسُوعَ، فَشَفَاهُمْ،³¹ حَتَّى تَعَجَّبَ الْجُمُوعُ إِذْ رَأَوْا الْخُرْسَ يَتَكَلَّمُونَ وَالسُّلَّ يَمْشُونَ وَالْعُرْجَ يَمْشُونَ وَالْعَمَمِيَّ يُبْصِرُونَ، وَمَجَدُّوا إِلَهَ إِسْرَائِيلَ.³² وَأَمَّا يَسُوعُ فَدَعَا تَلَامِيذَهُ وَقَالَ: إِنِّي أَشْفِقُ عَلَى الْجَمْعِ لِأَنَّ الْآنَ لَهُمْ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ يُمْكِنُونَ مَعِيَ وَلَيْسَ لَهُمْ مَا يَأْكُلُونَ، وَلَسْتُ أَرِيدُ أَنْ أَصْرِقَهُمْ صَائِمِينَ لئَلَّا يُجَوِّرُوا فِي الطَّرِيقِ.³³ فَقَالَ لَهُ تَلَامِيذُهُ: مِنْ أَيْنَ لَنَا فِي الْبَرِّيَّةِ خُبْزٌ بِهَذَا الْمِقْدَارِ حَتَّى يُشْبِعَ جَمْعًا هَذَا عَدَدُهُ؟³⁴ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: كَمْ عِنْدَكُمْ مِنَ الْخُبْزِ؟ فَقَالُوا: سَبْعَةٌ وَقَلِيلٌ مِنْ صِغَارِ السَّمَكِ.³⁵ فَأَمَرَ الْجُمُوعَ أَنْ يَتَّكِنُوا عَلَى الْأَرْضِ.³⁶ وَأَخَذَ السَّبْعَ خُبْزَاتٍ وَالسَّمَكَ، وَشَكَرَ وَكَسَّرَ، وَأَعْطَى تَلَامِيذَهُ وَالتَّلَامِيذُ أَعْطَوْا الْجَمْعَ.³⁷ فَأَكَلَ الْجَمِيعُ وَشَبِعُوا، ثُمَّ رَفَعُوا مَا فَصَلَ مِنَ الْكَيْسِرِ سَبْعَةَ سِبَالٍ مَمْلُوءَةٍ.³⁸ وَالْأَكْلُونَ كَانُوا أَرْبَعَةَ أَلْفٍ رَجُلٍ مَّا عَدَا النِّسَاءَ وَالْأَوْلَادَ.³⁹ ثُمَّ صَرَفَ الْجُمُوعَ وَصَعِدَ إِلَى السَّفِينَةِ وَجَاءَ إِلَى ثُحُومِ مَجَدَلٍ.

²¹ پس عیسی از آنجا بیرون شده، به دیار صور و صیدون رفت.²² ناگاه زن کنعانیهای از آن حدود بیرون آمده، فریادکنان وی را گفت: خداوندا، پسر داود، بر من رحم کن زیرا دختر من سخت دیوانه است.²³ لیکن هیچ جوابش نداد تا شاگردان او پیش آمده، خواهش نمودند که: او را مرخص فرمای، زیرا در عقب ما شورش می‌کند.²⁴ او در جواب گفت: فرستاده نشده‌ام مگر بجهت گوسفندان گم شده خاندان اسرائیل.²⁵ پس آن زن آمده، او را پرستش کرده، گفت: خداوندا، مرا یاری کن.²⁶ در جواب گفت که: نان فرزندان را گرفتن و نزد سگان انداختن جایز نیست.²⁷ عرض کرد: بلی، خداوندا، زیرا سگان نیز از پاره‌های افتاده سفره آقایان خویش می‌خورند.²⁸ ناگاه عیسی در جواب او گفت: ای زن، ایمان تو عظیم است! تو را برحسب خواهش تو بشود. که در همان ساعت، دخترش شفا یافت.

غذا دادن عیسی به چهار هزار مرد

²⁹ عیسی از آنجا حرکت کرده، به کناره دریای جلیل آمد و بر فراز کوه برآمده، آنجا بنشست.³⁰ و گروهی بسیار، لنگان و کوران و گنگان و شلآن و جمعی از دیگران را با خود برداشته، نزد او آمدند و ایشان را بر پایهای عیسی افکندند و ایشان را شفا داد،³¹ قسمی که آن جماعت، چون گنگان را گویا و شلآن را تندرست و لنگان را خرامان و کوران را بینا دیدند، متعجب شده، خدای اسرائیل را تمجید کردند.

³² عیسی شاگردان خود را پیش طلبیده، گفت: مرا بر این جماعت دل بسوخت زیرا که الحال سه روز است که با من می‌باشند و هیچ چیز برای خوراک ندارند و نمی‌خواهم ایشان را گرسنه برگردانم مبادا در راه ضعف کنند.³³ شاگردانش به او گفتند: از کجا در بیابان ما را آنقدر نان باشد که چنین انبوه را سیر کند؟³⁴ عیسی ایشان را گفت: چند نان دارید؟ گفتند: هفت نان و قدری از ماهیان کوچک.³⁵ پس مردم را فرمود تا بر زمین بنشینند.³⁶ و آن هفت نان و ماهیان را گرفته، شکر نمود و پاره کرده، به شاگردان خود داد و شاگردان به آن جماعت.³⁷ و همه خورده، سیر شدند و از خرده‌های باقیمانده هفت زنبیل پر برداشتند.³⁸ و خورندگان، سوای زنان و اطفال چهار هزار مرد

بودند.³⁹ پس آن گروه را رخصت داد و به کشتی سوار شده، به حدود مَجْدَل آمد.